

Identify the Liability of The Insurer in The Criminal Process

Hamid Afkar¹ Abdollah khodabakhshi² Seyed Mahdi Seidzadeh Sani³

Received: 2019 July 5

Accepted: 2020 June 1

Abstract

Objective: Many of the harmful accidents are considered in order to be accompanied by bodily injury in the criminal courts and pay attention to the status of parties involved in losses, insurance interests and the judiciary to provide preparation of losses for the least amount of time and cost. History of judicial procedure shows that in some cases, such as death of the accused, the non-occurrence of a crime and etc. the criminal court has closed the case and the parties of the accident are referred to file a claim for damages. The purpose of this study is to clarify the new approach of the legislator in compensation faster and less costly of bodily injuries and by examining the effect of Clause (1) of Article 85 of the Code of Criminal Procedure on the insurer, the theory of compensation for an accident in the course of a proceeding shall be strengthened to avoid duplication of claims and imposing costs on both sides of the case, insurance and the judiciary.

Methodology: This is a descriptive - analytical research. The existing decisions in the judicial procedure as the study documents was used.

Findings: in addition to some of the disadvantages of the widespread interpretation of Clause (1) of Article 85 of the Code of Criminal Procedure, the analysis of economic and social consequences of the provision requires the necessity of a single investigation into the consequences of an accident and the new procedure of criminal courts also tends to this direction.

Conclusion: The scope of Clause (1) of Article 85 of the Code of Criminal Procedure in addition to the treasury, can be generalized to the fund for physical damage and the insurer. Also, by including the culprit and non-culpable injuries in the accident, the necessary grounds should be provided for the compensation of injuries caused by accident during a hearing.

Keywords: Impact of criminal proceedings on the insurer, Physical Damage Fund, Blood Money (Dia), Insurer.

JEL Classification : K4, K10, K13.

1. PhD student in private law, Ferdowsi University of Mashhad.

Email: hamidafkar@mail.um.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad (**Corresponding Author**).

Email: dr_khodabakhshi@ferdowsi.um.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad.

Email: seidzadeh@um.ac.ir

شناسایی مسؤولیت بیمه‌گر در فرایند کیفری

حمید افکار^۱، عبدالله خدابخش^۲، سید مهدی سیدزاده ثانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۲

چکیده

هدف: بسیاری از حوادث زیان‌بار به جهت توأم‌شدن با صدمه بدنی در محاکم کیفری مطرح می‌شوند و توجه به وضعیت طرفین دعوی زیان، مصلحت بیمه‌گر و دستگاه قضا ایجاب می‌نماید تا تدارک زیان با کمترین زمان و هزینه صورت گیرد. سابقه رویه قضایی نشان می‌دهد که گاه به جهاتی همچون فوت متهم، عدم وقوع بزه و ... مرجع کیفری پرونده را مختومه نموده و طرفین حادثه برای دریافت خسارات خود به طرح دعوی حقوقی ارشاد می‌شوند. مطالعه حاضر به منظور تبیین رویکرد جدید مقنن در جبران سریع‌تر و کم هزینه‌تر صدمات بدنی انجام می‌شود تا با بررسی تأثیر تبصره (۱) ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری بر بیمه‌گر، نظریه جبران خسارات بدنی ناشی از یک حادثه در ضمن یک دادرسی به جهت جلوگیری از تکرار دعوی و تحمیل هزینه بر طرفین پرونده، بیمه‌گر و دستگاه قضا تقویت گردد.

روش‌شناسی: روش مورد استفاده در این پژوهش شیوه توصیفی-تحلیلی است و تصمیمات موجود در رویه قضایی نیز به عنوان مستندات مطالعه مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

یافته‌ها: در کنار برخی معایب تفسیر موسع تبصره (۱) ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری، تحلیل نتایج اقتصادی و اجتماعی مقرر مزبور، لزوم رسیدگی واحد به تبعات ناشی از یک حادثه را اقتضا می‌کند و رویه جدید محاکم کیفری نیز به این سمت و سو گرایش دارد.

نتیجه‌گیری: قلمروی تبصره (۱) ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری علاوه بر بیت‌المال، به صندوق تأمین خسارات بدنی و بیمه‌گر نیز قابل تسری است؛ همچنین با تحت شمول قرار دادن صدمات مقصر و غیر مقصر حادثه در تبصره مزبور، شایسته است تا زمینه لازم جهت رسیدگی به جبران خسارات بدنی ناشی از حادثه در ضمن یک دادرسی فراهم آید.

کلید واژه‌ها: تأثیر دادرسی کیفری بر بیمه‌گر، صندوق تأمین خسارات بدنی، دیه، بیمه‌گر.

طبقه‌بندی موضوعی: K4, K10, K13.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد، hamidafkar@mail.um.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

dr_khodabakhshi@ferdowsi.um.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

seidzadeh@um.ac.ir

مقدمه

وضع قواعد و مقررات جدید، گاه موجب گسیل و گاه محدودکننده حجم زیادی از دعاوی به سوی محاکم دادگستری است. عملکرد مقنن در تقنین جدید می‌تواند رنگ و بوی ماهوی یا شکلی داشته باشد و تشریفات در پاره‌ای موارد می‌تواند سخت‌گیری را به حدی برساند که دارنده حقی را از اخذ حق خود منصرف سازد یا تسهیل بیش از حد در این تشریفات، موجبات طرح دعاوی واهی را فراهم آورد. یکی از این رویکردها را می‌توان در وضع ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری و به ویژه در تبصره (۱) آن ملاحظه کرد که در این تحقیق اختصاراً با عنوان ماده ۸۵ قانون و تبصره از آن‌ها یاد می‌شود. بر اساس این ماده: «در مواردی که دیه باید از بیت‌المال پرداخت شود، پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود.

تبصره ۱. حکم این ماده در مواردی که پرونده با قرار موقوفی تعقیب یا با هر تصمیم دیگری در دادسرا مختومه می‌شود اما باید نسبت به پرداخت دیه تعیین تکلیف شود نیز جاری است.»

اهمیت اجتماعی آسیب‌های غیرعمدی، نیازی به اثبات ندارد. برای درک این مسأله کافی است به آمارهای قضایی مراجعه کرد چرا که ارقام همواره رو به افزایش است و روشن است که حوادث جاده‌ای بیشترین سهم را در این آمار دارد (ژان پرادل، ۱۳۸۶، ۱۲۶) و از نظر شمار رویداد و اهمیت خسارات به بار آمده باید مسئولیت ناشی از حوادث رانندگی را مهمترین بخش مسئولیت مدنی دانست (خدابخشی، ۱۳۹۰، ۱۰۴). کشور ایران نیز وضعیت نامطلوبی دارد؛ به نحوی که در دو دهه گذشته این حوادث به شدت رو به افزایش بوده و تعداد این حوادث از ۳۲۵۰۵ فقره در سال ۱۳۷۳ به ۱۱۷۲۵۶ فقره در سال ۱۳۹۰ رسیده است (فرهانی، ۱۳۹۴، ۴) و حتی میزان مرگ و میر ناشی از تصادفات در سال ۱۳۹۳ برابر با ۱۶۸۷۲

مورد ثبت شده است (مرادی و دیگران، ۱۳۹۵، ۵۰). همچنین آمارها نشان می‌دهد که میزان مرگ و میر ناشی از سوانح ترافیکی در کشورمان از تمامی کشورهای همسایه بیشتر است (پیشین، ۴۹)؛ بنابراین در کنار اتخاذ تدابیر پیشگیرانه، جبران صدمات قربانیان اعم از رانندگان و اشخاص ثالث نیاز به تدبیر ویژه‌ای دارد. در مقررات کیفری تا قبل از تصویب ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری، حکم خاصی جهت تعیین تکلیف وضعیت صدمات بدنی زیان‌دیدگان ناشی از حوادث پیش‌بینی نشده بود و فقدان سابقه تحقیقاتی اعم از کتب و مقالات حقوقی و مسکوت ماندن موضوع در نظر حقوقدانان، زمینه ساز اختلاف نظر در تصمیم دادگاه‌ها بود که هیچ‌کدام مبتنی بر مبنای متقنی نبودند. از همین رو وضع ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری اقدامی مؤثر و از دو جهت، حائز اهمیت است. از یک سو بررسی رویه قضایی نشان می‌دهد که گاه طرح و بقای پرونده‌های مربوط به صدمات عمد و غیرعمد در دادسرا و مقاومت دادگاه‌های کیفری در پذیرش ارسال آن به دادگاه جهت صدور حکم، عملاً موجب انباشت این پرونده‌ها و گاه عدم وصول مصدوم به حق خود گردیده است؛ در زمان حکومت قانون قدیم آیین دادرسی کیفری، دادسرا در صورت عدم شناسایی و عدم دسترسی به راننده مقصر متواری، پرونده را جهت صدور حکم دیه به دادگاه کیفری ارسال می‌نمود که برخی از شعب به این جهت که رسیدگی آنان صرفاً با کیفرخواست یا دادخواست به عمل می‌آید، از پذیرش این پرونده‌ها خودداری می‌نمودند و در نهایت زیان‌دیده پس از گذراندن یک دادرسی طولانی و طاقت‌فرسا

چاره‌ای جز تقدیم مجدد دادخواست و شروع یک دادرسی تازه نداشت.^۱ بالاخره با صدور رأی وحدت رویه ۷۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۲ اقدامی برای حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی صورت گرفت و در راستای تحکیم این نظر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ماده مستقلى به این امر اختصاص یافت و این شیوه به یک رویکرد قانونی تبدیل شد. از سوی دیگر، قابلیت طرح پرونده‌های مربوط به دیات ناشی از صدمات غیر عمدی در دادگاه کیفری آسان‌تر می‌شود که در ادامه تفصیلاً به این مهم پرداخته خواهد شد. موضوع صدور حکم به پرداخت دیه از سوی مراجع کیفری دارای نتایجی خواهد بود که زیان‌دیده، مسؤل حادثه و بیمه‌گر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و علی‌رغم اهمیت این موضوع و کثرت پرونده‌های مطالبه دیات ناشی صدمات غیرعمدی در مراجع قضایی، پیشینه قابل توجهی در رابطه با

۱. در مشروح رأی وحدت رویه شماره ۷۳۴ به رأی شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر اشاره شده که به موجب دادنامه ۳۰۰۴۲۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۵ اظهار داشته است:

«به موجب دادنامه... شعبه ۱۰۴ دادگاه جزایی شهرستان دزفول، صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به پرداخت مقادیری دیه محکوم گردیده است. محکومیت تجدیدنظرخواه به پرداخت دیه به تبع طرح دادخواست از سوی مدعی صورت نگرفته است و با توجه به شخصیت حقوقی تجدید نظرخواه ارتکاب بزه از سوی ایشان متصور نبوده و کیفرخواستی نیز در پرونده منعکس نگردیده است؛ بنابراین با توجه به اینکه دادنامه تجدید نظرخواسته بدون رعایت تشریفات رسیدگی منعکس در آیین دادرسی مدنی و کیفری صادر گردیده است، لذا... دادنامه مذکور نقض و شاکای به طرح دعوی حقوقی ارشاد می‌گردد.»

۲. «نظر به اینکه برابر ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسؤلیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶، فلسفه تشکیل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی است که خسارت‌های وارد شده به آنها از سوی شرکت‌های بیمه قابل پرداخت نیست و با عنایت به اینکه از مقررات قانون و آیین‌نامه اجرایی آن در خصوص نحوه مراجعه زیان‌دیدگان به صندوق برای دریافت خسارت چنین مستفاد می‌شود که نظر قانون‌گذار تسریع و تسهیل در پرداخت خسارت به آنان بوده است؛ بنابراین در صورت امتناع صندوق از پرداخت خسارت بدنی زیان‌دیده، دادگاه عمومی جزایی صالح به رسیدگی و اظهارنظر در خصوص مورد خواهد بود و رعایت تشریفات مقرر برای دعوی حقوقی در این موارد ضرورت ندارد. بدیهی است در صورت پرداخت خسارت نیز اقدامات قضایی برای تعقیب و شناسایی راننده مقصر باید ادامه یابد...»

تبیین قلمروی تبصره ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری در کتب حقوقی ملاحظه نمی‌شود و پژوهشی نیز به این موضوع اختصاص نیافته و صرفاً در برخی کتب به توضیحاتی در حد چند سطر اکتفا شده است. همچنین رویه قضایی نیز هنوز به صورت منسجم به این موضوع واکنش نشان نداده است؛ لذا تحقیق جاری از حیث بررسی قلمروی تبصره ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی و تأثیر مثبت و منفی دادرسی کیفری بر بیمه‌گر و طرفین دعوی زیان، اثری نو محسوب می‌شود و از ابهامات و مشکلات فرایند رسیدگی به دعاوی جبران خسارت در نظام بیمه‌ای می‌کاهد. همچنین با توجه به کاربردی بودن مباحث پژوهش و بهره‌مندی تحقیق از تصمیمات مراجع قضایی، نقش مهمی در انتظام بخشی و قابلیت پیش‌بینی تصمیمات محاکم و ایجاد رویه قضایی واحد خواهد داشت.

۱. قلمرو تبصره ماده ۸۵ قانون

در این بخش قلمروی تبصره ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری از دو منظر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. شمول تبصره ماده ۸۵ قانون بر بیت‌المال، صندوق تأمین خسارات بدنی و بیمه‌گر موضوع ماده ۸۵ قانون مربوط به مواردی است که دیه باید از بیت‌المال پرداخت شود و حکم آن نیز ناظر به صدور دستور برای ارسال پرونده به دادگاه جهت صدور حکم است. در تبصره (۱) این ماده نیز به تقنینی گسترده‌تر وضع شده و شمول حکم بر کلیه مواردی که موضوع دیه نیاز به اتخاذ تصمیم دارد، تسری یافته است. حال این تردید به ذهن خطور می‌کند که آیا باید حکم تبصره مزبور را نیز در چارچوب موضوع خود ماده و مواردی که دیه باید از بیت‌المال پرداخت شود تفسیر کرد یا اعم از اینکه پرداخت دیه عهده بیت‌المال، صندوق تأمین خسارات بدنی یا بیمه‌گر باشد، باید برای دیه مصدوم تعیین تکلیف کرد؟

صندوق تأمین خسارات بدنی که از آن نام برده شد، نهاد جدیدی نیست و چنین صندوقی جهت تضمین جبران خسارات ناشی از رانندگی در اکثر کشورهای دنیا پیش‌بینی شده است. در حقوق فرانسه صندوق مشابهی تحت نام صندوق تضمین بیمه‌های اجباری خسارت وجود دارد (کاتوزیان و ایزانلو، ۱۳۹۷، ۴۴۱). در انگلستان نیز اداره بیمه‌گران خودرو در سال ۱۹۴۶ با هدف پرداخت غرامت به قربانیان ناشی از تصادف با وسایل نقلیه در شرایطی که مسبب حادثه فاقد بیمه‌نامه یا متواری بوده، تأسیس شد (رفیعی و جعفری، ۱۳۹۲، ۴). در بادی امر ممکن است گفته شود که بیت‌المال و صندوق تأمین خسارات بدنی ماهیت یکسانی دارند، اما با توجه به شباهت آن‌ها، لازم است بدو تفکیک بین صندوق تأمین خسارات بدنی و بیت‌المال بیان شود.

در ایران موضوعات مشمول صندوق تأمین خسارت بدنی، خاص حوادث رانندگی و قربانیان آن می‌باشد در حالی که بیت‌المال تمام انواع قتل‌ها را در بر می‌گیرد (خدابخشی، ۱۳۹۶، ۲۸۷). همچنین بنا بر نظر برخی فقها بیت‌المال تنها مسؤول پرداخت دیه قتل است در حالی که صندوق خسارت بدنی غیر قتل را هم در بر می‌گیرد (پیشین). موضوع دیگر اختصاص صندوق تأمین صرفاً برای خسارات بدنی ناشی از تصادف است، حال آنکه بیت‌المال به موارد دیگری همچون عمران و آبادانی کشور، کمک به فقرا و غیره نیز اختصاص دارد (شیرازی، ۱۴۲۳، ۲۲۶؛ گیلانی، ۱۴۰۱، ۶۹؛ مغنیه، ۱۴۲۱، ۳۴۴). در تمام مواردی که صندوق اقدام به پرداخت می‌کند باید اصل حادثه رانندگی و انتساب به شخص مسؤول محرز و ثابت شود، اما در مورد مسؤولیت بیت‌المال همین که ثابت شود که مقتول عامل قتل خود نبوده است یا به عبارت دیگر، قتل ناشی از اقدام او نباشد، برای دخالت بیت‌المال کافی است. دایره مسؤولیت صندوق گسترده‌تر است چرا که ممکن است صندوق در مواردی از قبیل بیمه نبودن یا بطلان یا لغو فعالیت یا ورشکستگی بیمه‌گر هم مسؤولیت پیدا می‌کند (آبخیز، ۱۳۹۶، ۲۵۸)؛ بنابراین رابطه صندوق تأمین و بیت‌المال عموم و خصوص من وجه است. حال به سؤال اصلی برمی‌گردیم که آیا شمول تبصره را باید شامل بیت‌المال دانست یا بیمه‌گر و صندوق

تأمین نیز مشمول حکم هستند؟ به نظر می‌رسد اگر مقنن قصد داشت که به پرداخت دیه از بیت‌المال اکتفا نماید، نیازی به وضع تبصره نداشت و برای همه مواردی که باید دیه از بیت‌المال پرداخت شود در خود این ماده تعیین تکلیف شده؛ لیکن هدف دیگری نیز مدنظر بوده که برای آن مجدداً در سال ۱۳۹۴ تبصره مزبور با دامنه شمول گسترده‌تری الحاق شده است. از سوی دیگر اطلاق تبصره مزبور جایی برای تفسیر نمی‌گذارد و حکم ماده بر مسؤول پرداخت اعم از بیت‌المال، بیمه‌گر یا صندوق تأمین خسارات‌های بدنی قابل تسری است؛ به خصوص این‌که در حال حاضر، امکان طرح دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر در دادرسی موجود پذیرفته شده است (کاتوزیان و ایزانلو، پیشین، ۲۸۸؛ خدابخشی، پیشین، ۵۳۸) و از این جهت محکومیت بیمه‌گر با مانعی مواجه نیست. رویه قضایی نیز در حال حاضر به سمت و سویی حرکت می‌کند که جبران خسارت زیان‌دیده از جرایم عمدی و غیرعمدی را میسر سازد. همچنان که سابقاً برای صدور حکم به پرداخت خسارت از بیت‌المال در مورد صدمات ناشی از جرایم عمدی که ضارب ناشناخته باقی می‌ماند، مقاومت می‌شد ولی در حال حاضر این رویه تغییر چشمگیری کرده است.^۱

۱. از حیث فقهی گفته شده اصل اولیه عدم مسؤولیت بیت‌المال نسبت به دیه جراحات است؛ اما این اصل اولیه با روایات وارده از اهل‌بیت تخصیص خورده و مجوز خروج از اصل صادر شده است. (بای، ۱۳۸۳، ص ۹۰) نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۲۵۴۶ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ مقرر می‌دارد: «در صورت ایراد جرحات توسط فرد یا افراد ناشناس، چنانچه تحقیقات جامع و وسیعی که از طرف مأمورین کشف جرم انجام یافته، مفید واقع نشده و به نتیجه نرسیده و شناسایی مرتکب به هیچ وجه ممکن نگردد، با توجه به فتاوی معتبر از جمله فتوای مرحوم آیت‌الله خوئی (ره) در کتاب تکمله المنهاج در مواردی که دیه قتل اعم از عمد یا غیرعمد بر بیت‌المال است، با اتخاذ ملاک از ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در صورت مطالبه دیه، پرونده بدون صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست، جهت صدور حکم به پرداخت دیه از بیت‌المال به دادگاه عمومی جزائی ارسال و دادگاه حکم به پرداخت دیه از بیت‌المال صادر خواهد نمود.» (ماهنامه دادرسی، شماره ۱۰۳، ۱۳۹۳، ص ۶۸) در دادنامه صادره از شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری دو نیشابور در پرونده ۹۴۰۹۹۸۵۱۹۶۳۰۰۴۰۱ آمده: «در خصوص شکایت ... دائر به ایراد ضرب و جرح عمدی، اعلام و تحقیقات بعدی مرجع انتظامی جهت شناسایی مجرم به نتیجه‌ای نرسیده و دادستان محترم نیشابور در مورد جنبه خصوصی جرم تقاضای پرداخت دیه مصدوم از

۱-۲. شمول تبصره ماده ۸۵ قانون بر پرداخت دیات مقصر و غیر مقصر حادثه

بررسی فرایند رسیدگی به پرونده‌های تصادفات حاکی از این است که نوعاً پس از احراز حادثه و صدور قرار جلب به دادرسی برای مقصر حادثه، دادگاه مبادرت به صدور حکم پرداخت دیه در حق مصدوم یا ورثه وی می‌نماید؛ اما روند کار همیشه به این صورت نیست و در موارد متعددی پس از طرح موضوع در مرجع کیفری، پرونده با قرار منع یا موقوفی تعقیب مواجه می‌شود و عملاً خسارت باید از دادگاه حقوقی مطالبه گردد؛ به عنوان مثال در اثر بی‌احتیاطی راننده‌ای، خودرو واژگون می‌گردد و فوت می‌کند؛ آیا در چنین مواردی هم دادرسی کیفری می‌تواند به استناد تبصره ماده ۸۵ قانون رسیدگی را ادامه داده و حکم علیه شرکت بیمه صادر نماید؟

همان‌طور که سابقاً مطرح شد، در خصوص راننده متواری علاوه بر وجود رأی وحدت رویه ۷۳۴ دیوان عالی کشور، امکان استناد به تبصره ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری به یک رویکرد قانون برای صدور حکم علیه صندوق تأمین تبدیل گردیده است،^۱ اما در فرض فوت مقصر حادثه موضوع نیاز به بررسی دارد. در این سؤال دو فرض قابل تفکیک است؛ موضوع اول این‌که در نتیجه سانحه، مقصر حادثه که منجر به مصدومیت افراد دیگری شده، فوت نماید؛ با این وصف آیا مرجع کیفری صرفاً به صدور قرار موقوفی تعقیب کفایت نموده و مصدومین را به مرجع حقوقی دلالت می‌دهد یا این‌که مبادرت به صدور رأی علیه بیمه‌گر یا صندوق تأمین خواهد

بیت‌المال را نموده است... دادگاه ضمن موافقت با درخواست به عمل آمده وزارت دادگستری را به نمایندگی از بیت‌المال به پرداخت... محکوم می‌نماید»

۱. در تصمیم مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۰ شعبه ۶۳۳ دایاری در پرونده ۹۷۰۸۵۹ آمده است: «آقای... شکایتی دائر به تسبیب در ایراد صدمه بدنی غیر عمدی علیه شخصی ناشناس مطرح که موتور سواری با وی تصادف نموده و سپس از محل گریخته است... لذا در اجرای ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پرونده را با صدور دستور به دادگاه کیفری دو ارسال تا... نسبت به پرداخت دیه مصدوم از صندوق تأمین خسارات بدنی وفق تصمیم دادگاه محترم اقدام گردد...»

نمود؟ بررسی رویه مراجع کیفری نشان می‌دهد که در این فرض دادسرا به محض فوت مقصر حادثه اقدام به صدور قرار موقوفی تعقیب می‌نمود و برای دیه مصدومین تعیین تکلیفی صورت نمی‌گرفت^۱ و مصدومین حادثه چاره‌ای جز طرح دعوای حقوقی مطالبه دیه در دادگاه حقوقی نداشتند، اما تبصره ماده ۸۵ قانون قطعاً این فرض را در برمی‌گیرد چرا که از جمله مصادیقی که پرونده با قرار موقوفی تعقیب در دادسرا مختومه می‌شود و باید نسبت به دیه تعیین تکلیف گردد، فوت متهم پس از ارتکاب جرم است (خالقی، ۱۳۹۷، ۱۳۵). فلسفه منع دادرسی مجدد و تحمیل هزینه و زمان به بزه دیده نیز همین نظر را تأیید می‌کند. این تغییر نگرش در رویه قضایی نیز قابل مشاهده است.^۲ اما تردید اصلی مربوط به حالت دوم است که در آن مقصر حادثه خود مصدوم شود و بر مبنای رابطه قراردادی با شرکت بیمه مطالبه ضرر و زیان نماید یا در جریان فوت وی، ورثه او تقاضای دیه متوفی را بر اساس رابطه با بیمه‌گر مطرح نمایند؛ آیا همچنان تکلیف به صدور رأی از محکمه جزایی باقیست؟

در این خصوص، ممکن است گفته‌شود در تمام مواردی که دیه‌ای در پرونده مطرح است، مرجع کیفری حکم مقتضی را صادر نماید، حجم قابل توجهی از پرونده‌های مطالبه دیه، روانه دادسرا و دادگاه کیفری می‌شود که هدفی مطلوب نیست و موجب کثرت کار تأسّف‌آور شعبه‌های بازپرسی و دادگاه‌های کیفری می‌گردد (استفانی، ۱۳۷۷، ۳۰۳). از سوی دیگر تخصص کمتر شعب کیفری در رسیدگی به

۱. در تصمیم مورخ ۱۳۹۵/۹/۱۷ شعبه ۶۳۲ دادرسی در پرونده کلاسه ۹۵۱۲۶۳ آمده: «در خصوص شکایت...دائر به ایراد صدمه بدنی غیر عمدی ناشی از بی احتیاطی در رانندگی...مرحوم محمد مقصر در بروز تصادف بوده که فوت نموده‌اند لذا قرار موقوفی تعقیب ایشان صادر می‌گردد»

۲. در تصمیم مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۶ شعبه ۶۲۱ دادرسی دادسرای مشهد در پرونده کلاسه ۹۷۰۰۷۶ آمده: «در خصوص اتهام...دائر بر بی احتیاطی در رانندگی منجر به صدمه بدنی غیرعمدی با عنایت به فوت متهم قرار موقوفی تعقیب صادر می‌گردد و در خصوص صدمات وارده به مصدومین در راستای ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری به دادگاه کیفری دو مشهد ارسال می‌گردد»

موضوعات مربوط به قراردادها و مسئولیت مدنی احراز مسئولیت را با پیچیدگی بیشتری همراه می‌سازد. برخی معتقدند هدف اصلی دادرسی جزایی رسیدگی به جنبه عمومی جرم ارتكابی است و به همین سبب نباید در بسط صلاحیت دادگاه کیفری در رسیدگی به امر مدنی تا جایی پیش برویم که دعوی عمومی تحت تأثیر دعوی خصوصی قرار گیرد، زیرا ورود در موضوع حقوقی چهره‌های متعددی دارد و ممکن است دادرسان کیفری را از مسیر اصلی منحرف سازد و توجه خاص آن‌ها را که در واقع باید به دعوی عمومی معطوف شود، به دعوی خصوصی جلب کند (کاتوزیان و ایزانلو، پیشین، ۲۹۴؛ آخوندی، ۱۳۷۲، ۲۶۵ و ۲۶۶). حتی برخی محاکم از این هم بالاتر رفته و برای کاهش هرچه بیشتر موارد رسیدگی موضوعات جبران خسارت در دادگاه کیفری معتقدند، در فرضی که مقصر حادثه موجب صدمات افراد دیگری شود و فوت نماید، اقامه دعوی در مرجع کیفری صحیح نبوده و برای اینکه دیه و خسارات ناشی از وقوع جرم در دادگاه کیفری قابل جبران باشد، متهم باید در اثنای رسیدگی فوت نماید نه اینکه قبل از اقامه دعوا فوت کرده باشد؛ اما به نظر می‌رسد اطلاق این مقرره حالت مورد بحث را نیز در برمی‌گیرد. در رویه قضایی هم اگرچه مخالفت‌هایی در پذیرش این نظر دیده می‌شود،^۱ لیکن برخی محاکم بی‌میل برای

۱. در دادنامه شماره ۱۴۸۳۰۱۴۳۵۳۳۶۴۰۹۶۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۸/۱۰ شعبه ۲ دادگاه عمومی بخش لشت نشا آمده «دعوی علیه متوفی بلاوجه بوده و تبصره ماده ۸۵ ناظر به فرضی است که شاکی ذی‌حق در مطالبه خسارت بدنی بود و از طرفی فوت متهم در اثنای رسیدگی رخ دهد نه اینکه قبل از اقامه دعوی فوت کرده باشد بنا به مراتب فوق این مرجع دعوی مطرح شده علیه مرحوم باغساز را قابل تعقیب ندانسته و قرار موقوفی تعقیب صادر می‌گردد»

۲. در قرار شماره ۹۸۴۰۹۸۴۰۹۹۷۵۱۴۳۵۰۹۷۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۳ شعبه ۶۲۷ دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب مشهد آمده: «در خصوص شکایت... دائر به بی احتیاطی در امر راندگی منجر به صدمه بدنی غیر عمدی... قرار منع تعقیب صادر می‌گردد... لازم به ذکر است اگر چه برخی ارسال پرونده به دادگاه برای اخذ دیه در راستای تبصره ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری را در فرضی می‌دانند که جرمی واقع شده باشد و پس از مختومه‌شدن آن پرونده به دادگاه ارسال شود لکن با عنایت به جواز تفسیر موسع در قوانین شکلی و در راستای سهولت جبران خسارت مصدوم پرونده جهت اخذ دیه از بیمه موتور سیکلت وفق قرارداد خصوصی منعقد شده با توجه به داشتن گواهینامه و بیمه‌نامه به دادگاه محترم کیفری دو مشهد ارسال می‌گردد.» که شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو مشهد به موجب تصمیم اداری مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۵ اظهار داشته: «ارسال پرونده به دادگاه

حرکت به سوی این رویه نیستند و با تعیین تکلیف در آرای خود ولو به طور کلی، گرایش خود را به تفسیر موسع این تبصره و یادآوری تکلیف بیمه‌گر نشان داده‌اند.^۱

بلادلیل است و مقصر حادثه می‌تواند با مراجعه به بیمه نسبت به اخذ دیه صدمات وارده اقدام یا از طریق دادخواست حقوقی علیه شرکت بیمه احقاق حق نماید»

همچنین در جریان پرونده کلاسه ۹۷۰۶۴۸ شعبه ۶۰۸ بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب مشهد که ورثه متوفی تقاضای پرداخت دیه از ناحیه بیمه داشته‌اند، در تاریخ ۱۳۹۷/۶/۲۴ اتخاذ تصمیم گردیده است: «در خصوص گزارش مرجع انتظامی دائر به واژگونی خودرو منجر به قتل غیرعمدی... نظر به اینکه این موضوع مورد شکایت اولیای دم متوفی برای مطالبه دیه نیز قرار گرفته لیکن... حادثه در نتیجه بی‌احتیاطی خود متوفی صورت گرفته و بزهی متوجه فرد دیگری نمی‌باشد... قرار منع تعقیب صادر می‌گردد. لیکن در خصوص ادعای شکات مبنی بر تعیین تکلیف برای دیه متوفی، پرونده در راستای تبصره ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری به نظر دادیار محترم اظهار نظر رسیده تا دستور مقتضی صادر فرمایند.»

دادیار اظهار نظر نیز ضمن موافقت با قرار صادره اعلام می‌دارند تا مراتب در اجرای ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری به دادگاه ارسال گردد. اگرچه در دادگاه کیفری به جهت عدم تسری تبصره ماده ۸۵ قانون به جبران خسارت توسط بیمه‌گر و با تلقی درخواست شکات به اخذ دیه از بیت‌المال یا صندوق تأمین (علی‌رغم بیمه‌بودن متوفی حادثه)، پیشنهاد مزبور رد می‌گردد. در تصمیم نهایی شماره ۹۷۰۹۹۷۷۵۹۱۹۰۱۲۳۶ شعبه ۱۱۹ دادگاه کیفری دو مشهد آمده است: «در خصوص تقاضای اولیای دم متوفی دائر به پرداخت دیه از بیت‌المال و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی نظر به اینکه مقصر حادثه خود متوفی که رانندگی خودرو را به عهده داشته تعیین گردیده از موارد پرداخت دیه از بیت‌المال یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی نمی‌باشد و شکایت یا تقاضای شکات را مردود اعلام می‌نماید»

۱. در دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۷۵۹۲۹۰۰۲۲۶ مورخ ۱۳۹۸/۲/۲۹ شعبه ۱۲۹ دادگاه کیفری دو مشهد آمده: «در خصوص شکایت آقای... علیه راننده خودرو ۴۰۵ دایر به بی‌احتیاطی در رانندگی منجر به صدمه بدنی غیرعمدی که راننده خودرو مذکور در صحنه تصادف فوت نموده و پرونده از سوی دادرسی در راستای تبصره ۱ ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری جهت تعیین تکلیف دیه متوفی و مصدوم به دادگاه ارسال گردیده... به لحاظ عدم توجه موضوع به صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، شرکت بیمه‌گر برابر قانون نسبت به پرداخت غرامت متوفی و همچنین دیه صدمات متعلقه به مصدوم اقدام خواهد نمود...»

همچنین در دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۷۵۹۲۶۰۰۱۸۴ مورخ ۱۳۹۸/۲/۱۹ شعبه ۱۲۶ دادگاه کیفری دو مشهد آمده: «خودروی ۴۰۵ با شماره... در اثر برخورد با گارد ریل دچار خسارت و به سر نشین‌های آن صدمه وارد و راننده آقای... فوت کرده است. خودروی مذکور دارای قرارداد با شرکت بیمه ایران است و علت تصادف بی‌احتیاطی مرحوم... بوده که منجر به فوت راننده و صدمه به سر نشینان شده و شعبه ۶۲۱ دادرسی طبق ماده ۱۳ و ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار موقوفی تعقیب به علت فوت راننده صادر و پرونده جهت تعیین تکلیف دیه به دادگاه ارسال شد. دادگاه شرکت بیمه را ملزم می‌کند به پرداخت دیات زیر در حق شکات پرونده: الف) ... ب) ... و) در مورد چگونگی پرداخت دیه صدمات غیر مسری مرحوم راننده مسبب حادثه و دیه قتل وی. این موضوع شامل

علاوه بر آن، موارد دیگری هم وجود دارد که علی‌رغم عدم وصف جزایی موضوع یا عدم لزوم ادامه تعقیب کیفری، دادرسی کیفری ملزم به تعیین تکلیف موضوع خسارات است. براساس ماده (۲۰) قانون آیین دادرسی کیفری: «سقوط دعوی عمومی موجب سقوط دعوی خصوصی نیست. هرگاه تعقیب امر کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم براءة شود، دادگاه کیفری مکلف است، در صورتی که دعوی خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید». ماده (۲) قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز این حق را برای متضرر از جرم لحاظ کرده و براساس آن دعوی ضرر و زیان ناشی از جنایت و جنحه و خلاف قابلیت طرح در ضمن دادرسی کیفری دارد (الیوت و ورنون، ۱۳۸۷، ۲۲۵) و حتی امکان مطالبه برای شخصی که به عنوان بزه دیده یک جرم طرح دعوی خصوصی می‌کند و ممکن است خود به جهت شرکت در همان جرم یا جرم مرتبط با آن، بزه‌کار باشد پذیرفته شده است (لارگیه، ۱۳۷۸، ۱۱۳). همچنین در سال‌های اخیر در حقوق انگلیس تمایلاتی در جهت جبران خسارت بدنی در دادرسی‌های کیفری ابراز گردیده و قانون جبران زیان‌های ناشی از اعمال مجرمانه امکان وصول خسارت را در دادرسی جزایی تحت شرایطی پیش‌بینی کرده است، اما در یکی از مهمترین مصادیق، یعنی حوادث رانندگی چنین امکانی وجود ندارد (کاتوزیان و ایزانلو، پیشین، ۲۹۵). این احکام نشان استقلال دعوی خصوصی است و اگرچه استثنایی بودن صلاحیت دادگاه کیفری در رسیدگی به امر مدنی را تا حد زیادی مخدوش می‌کند اما به حکم قانون امکان‌پذیر است. البته در حقوق ایران دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم در صورتی قابل رسیدگی در دادگاه کیفری است که تا قبل از ختم رسیدگی مطرح گردد درحالی‌که در آیین دادرسی کیفری فرانسه

قرارداد خصوصی با شرکت بیمه است که به علت وجود قرارداد در بیمه نامه شرکت مزبور طبق مقررات عمل خواهد نمود.»

مواردی وجود دارد که بعد از صدور حکم نیز مرجع کیفری صلاحیت پذیرش و رسیدگی به دعوی خصوصی را دارد (هرمزی و مؤذن زادگان و علوی، ۱۳۹۷، ۲۸۹). گفته شد بیشترین آراء بخش مسؤولیت مدنی به حوادث رانندگی مربوط می‌شود. با این وصف، اگرچه در برخی از دعاوی علت حادثه را باید در بی‌احتیاطی عامل انسانی جست، اما گاه تقصیری هم در میان نیست و مسؤولیت بر مبنای نظریه خطر بر عهده دارنده خودرو قرار می‌گیرد^۱ و حتی مقصر حادثه و افراد جامعه خود قربانی استفاده بیش از حد از این وسایل هستند و گاهی اوقات چاره‌ای جز پذیرش عواقب این استفاده‌های ناروا ندارند و همان خطراتی که شاکی حادثه را تهدید می‌کند، خود مرتکب حادثه را نیز تهدید می‌کند. چنانچه با توجه به تحولات کنونی در عرصه مسؤولیت مدنی، عده‌ای معتقدند سرانجام باید منتظر محو شدن مفهوم مسؤولیت بود، زیرا مسؤولیت و مسؤول واقع شدن دیگر شرط ضروری برای برعهده گرفتن جبران خسارت توسط یک جمع نیست (یزدانیان، ۱۳۹۵، ۴۳۲). حوادث رانندگی علاوه بر الزام به جبران خسارت، جرم محسوب شده‌اند؛ جرمی عادی که در عین اتفاقی بودن بسیار زیان‌بار است و اگر وضع زیان‌دیده را دشوار می‌کند به مرتکب نیز گزندی قابل توجه می‌رساند. به گفته یکی از حقوق‌دانان فرانسوی، در این زمینه حقوق مسؤولیت مدنی حکومت ندارد؛ بلکه هدف اصلی، جبران خسارت است و بیمه‌گر، شخصیت خارجی در تحقق آن می‌باشد (خدابخشی، ۱۳۹۰، ۱۰۴)؛ فلذا اگر چه تقصیر راننده مقصر موجب بروز حادثه شده و از این حیث شایسته مجازات و نکوهش است و اتخاذ

۱. در قسمتی از دادنامه شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی مشهد مورخ ۱۳۹۵/۵/۲۵ می‌خوانیم: «... در واقع در قوانین اخیر بیمه رویکرد قانون‌گذار عدول از نظریه تقصیر و گرایش به نظریه خطر می‌باشد و دفاع نماینده خوانده مبنی بر عدم شمول بیمه نسبت به راکب با توجه به فقدان گواهی‌نامه و اینکه بند ب ماده ۱۱۵ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ صرفاً در خصوص اخذ بیمه متعلقه از راننده و اجباری نمودن بیمه حوادث سرنشین وضع گردیده مؤثر در مقام نیست زیرا با روح و هدف قانون‌گذار که حمایت از راکب یا سرنشین وسیله نقلیه می‌باشد در تعارض است...»

تدابیر پیشگیرانه و متنبهانه از جانب مقامات عمومی لازم است، لیکن با عدالت سازگار نیست که این قبیل افراد که غالباً خود نیز در این حوادث صدمه و تألم دیده هستند نیز از حمایت قانونی برخوردار نباشند و علی‌رغم کامل بودن پرونده، برای صدمات آنان در مرجع کیفری تصمیم شایسته‌ای اتخاذ نشود. منطق و رسیدگی سریع، منظم و عادلانه مستلزم این است که همان دادگاهی که به ارتکاب جرمی رسیدگی می‌کند، به دعوای حقوقی ناشی از جرم هم رسیدگی کند (هرمزی، ۱۳۹۳، ۱۷۳) و توسعه صلاحیت تبعی برای دادگاه‌ها در مواردی که موجب نظم، سرعت و اجرای بهتر عدالت در دادرسی است، منعی ندارد (پیشین، ۱۸۹).

در مقام نتیجه‌گیری به نظر می‌رسد، همان طور که ادامه جریان رسیدگی به موضوع ضرر و زیان ناشی از جرم در محکمه جزایی پس از صدور قرار منع تعقیب یا حکم براءت، در راستای احقاق حق و تسریع در رسیدگی است (مهردی، ۱۳۴۲، ۱۳)، در مورد تعیین تکلیف دیه اشخاص نیز بتوان از همین مبنا استفاده کرد. در فرانسه، دعوای ناشی از حوادث رانندگی کمتر از سایر دعوای مسئولیت مدنی به دادگاه می‌رود و در غالب موارد بین طرفین دعوا و در شرکت‌های بیمه حل و فصل می‌گردد. تمایل عمومی آن است که این قبیل حوادث به دلیل فراوانی آن، با سازش و گفتگو فیصله یابد و جز در موارد استثنایی که نتایج وخیمی از حادثه به بار آمده است، مقام‌های عمومی در آن مداخله نجویند (کاتوزیان و جنیدی و غمامی، ۱۳۸۱، ۲۱۰). به نظر می‌رسد ارائه این راهکار در حقوق ایران نیز قابل قبول باشد و با ارائه آیین قاطع و ویژه‌ای برای جبران خسارات، موجبات قضازدایی و منع طرح دعوای متعدد فراهم آید اما تا فراهم آمدن این آیین، یکی از مواردی که در حال حاضر می‌تواند از تکرر دعوای جلوگیری کند، تعیین تکلیف قاطعانه همه جوانب امر در یک مرجع است.

۲. آثار تبصره ماده ۸۵ قانون نسبت به بیمه‌گر

نتیجه ارائه تفسیر مؤثر از تبصره ماده ۸۵ قانون، ایجاد آثاری نسبت به طرفین و بیمه‌گر است. در این مبحث با این مقدمه که تفسیر موسع از تبصره ماده ۸۵ قانون گرایش‌دهنده

افراد به دادرسی جزایی خواهد بود، به موضوع آثار مستقیم و غیرمستقیم این تقنین بر بیمه‌گر پرداخته خواهد شد.

۱-۲. علل تمایل زیان‌دیده به دادرسی کیفری

کمتر کسی است که پس از طرح دعوی کیفری آن را وانهد و مسیر پر هزینه و طولانی دیگری را شروع کند. مزایای طرح دعوی حقوقی نزد دادگاه کیفری این است که دعوی حقوقی ارزان‌تر، ساده‌تر و سریع‌تر است و متداعی حقوقی می‌تواند از ادله‌ای که توسط دادسرا فراهم شده، استفاده کند (الیوت و ورنون، پیشین، ۲۲۶)؛ بنابراین مصدومین را نه تنها مشتاق به انتخاب این روش، بلکه آن‌ها را از ترک ادامه آن منع می‌کند. از مهم‌ترین خصایصی که موجب ترغیب زیان‌دیده برای طرح موضوع خسارت در مرجع کیفری می‌شود می‌توان به عوامل ذیل اشاره کرد.

۱-۱-۲. هزینه دادرسی

طرح دعوا از ابتدا تا انتهای سیر رسیدگی همگام و هم‌مسیر با صرف هزینه دادرسی است. اگرچه ممکن است دادخواهی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار بگیرد، لیکن اصولاً خواهان قبل از طرح دعوا نتایج اقتصادی عمل خود را در نظر گرفته و با سنجش هزینه‌های دادرسی خود در برابر منفعتی که برای وی حاصل می‌شود، دست به طرح دعوی می‌زند و اگر ارزش مورد انتظار خود از اقامه دعوا را بیشتر و بالاتر از هزینه‌های دادخواهی بداند، دست به اقامه دعوا می‌زند (پوراستاد، ۱۳۹۴، ۶۱). براساس مدل اقتصادی دادرسی، خواهان در ارزش خالصی که از طرح دعوی خود برآورد می‌کند، احتمال پیروزی در دعوا و نتیجه‌ای که انتظار به‌دست‌آوردن آن را دارد، لحاظ می‌کند (کوبایاشی و پارکر^۱، ۱۳۷۸، ۳)؛ بنابراین نامناسب بودن هزینه دادرسی می‌تواند موجبات ترک دعوا، پذیرش اکراه‌آمیز سازش و... را پدید آورد (الماسی و حبیبی درگاه، ۱۳۹۱، ۶۴). دادرسی کیفری نسبت به دادرسی حقوقی از

1. Kobayashi & Parker

سرعت بالاتر و هزینه کمتر برخوردار است و رغبت بیشتری برای طرح شکایت ایجاد می‌نماید، چنانچه بارها دیده شده شاکی علی‌رغم واقف بودن به جزایی بودن خواسته خود، ابتدا قصد دارد که از طریق مرجع کیفری اقدام نموده تا در صورت پذیرش ادعای وی مسیر سریعتر و کم هزینه‌تری را طی نماید و در صورت شکست، هزینه چندانی از دست نمی‌دهد و به مسیر اصلی خود برگشته و از طریق محکمه حقوقی اقدام می‌نماید. پرونده‌های مطالبه دیه از ناحیه‌ی ذی‌حق نیازی به تقدیم دادخواست ندارد؛ چرا که جنبه جزایی آن موجب استغنائی او از انجام این کار می‌گردد. موارد فراوانی دیده می‌شود که زیان‌دیده به جهت روند طولانی رسیدگی و تحمل هزینه از طرح دعوی حقوقی انصراف می‌دهد، به خصوص در جایی که میزان دیات وی به حدی نیست که او را مصمم به اخذ خسارت کند و زیان‌دیده لقای زیان‌های خود را به عطای مسیر پر خرج و طویل دادرسی می‌بخشد! اما در اکثر پرونده‌های کیفری، مصدومین حوادث در خصوص کوچک‌ترین صدمات نیز شکایت کرده و خواستار دیه خود می‌شوند و می‌دانند که اجابت این خواسته با صرف هزینه و وقت زیادی همراه نیست. استفاده از تبصره ماده ۸۵ قانون، خود ابزاری برای رهایی از هزینه و وقت گزاف است و زیان‌دیده را به اخذ خسارت ترغیب می‌کند.

۲-۱-۲. زمان رسیدگی

چند مرحله‌ای بودن رسیدگی کیفری اگر چه در نگاه اول به نظر می‌رسد که سیر طولانی‌تری را جهت احقاق حق زیان‌دیده داشته باشد، اما مقایسه فرایند دادرسی حقوقی و کیفری در ایران نشان می‌دهد که نباید فریب این ظاهر را خورد، چرا که فوق‌العاده بودن رسیدگی در دادرسی و تکلیف بازپرس به کشف ادله و استفاده از منابع و ابزارهای عمومی در این مسیر، سرعت جریان ارائه دلیل را افزایش داده و مسیر را خلاصه می‌کند و دادگاه کیفری نیز به جهت عدم دخالت بیمه‌گر سرعت رسیدگی بیشتری دارد. اگرچه مدت دادرسی باید با در نظر گرفتن عواملی همچون پیچیدگی پرونده، رفتار طرفین پرونده و... سنجیده شود (هنزلین و

روردرف^۱، ۱۳۹۲، ۸۶). اما غالباً دادرسی حقوقی دارای تشریفات گسترده‌تری نسبت به دادرسی کیفری است و همین امر بر مدت فرایند آن افزوده است و رغبت به طرح دعوا در این مراجع را کاهش داده است. دقت در ادبیات حقوق کیفری نشان می‌دهد که چهره برتری برای قواعد آن در مقایسه با قواعد مدنی می‌توان ترسیم نمود؛ رأی و تصمیم کیفری، تقدم و اطلاق قاطع نسبت به رأی مدنی دارد و از آن به حاکمیت اعتبار امر مختوم کیفری بر دعوا یا رأی مدنی یاد می‌شود. دعوای کیفری باعث می‌شود که دعوای حقوقی مشابه متوقف گردد و سرانجام ایرادات مربوط به دعوای کیفری، در حین رسیدگی به دعوا مورد رسیدگی قرار می‌گیرند و اصولاً منوط به رسیدگی مرجع دیگری نیست (خدابخشی، ۱۳۹۲، ۲۴۸)؛ بنابراین تأثیرپذیری دادرسی مدنی از کیفری باعث شده تا در برخی موارد، رسیدگی به دادرسی مدنی تا تعیین تکلیف مرجع کیفری متوقف شود و احراز مسؤلیت منوط به تصمیم قاضی کیفری شود که در زمان فرایند دادرسی حقوقی مؤثر است.

۲-۱-۳. جمع‌آوری ادله

یکی دیگر از علل جذابیت دادرسی کیفری، قدرت همراهی دادسرا و دادگاه با زیان‌دیده است چنان که با طرح شکایت کیفری، بازپرس خود مبادرت به جمع‌آوری ادله در کوتاه‌ترین زمان ممکن می‌کند ولی خواهان یک دعوای مدنی در مسیر دشوار دادرسی خود را تنها می‌بیند. عمدتاً رسیدگی فوق‌العاده در دادسرا و کشف و جمع‌آوری ادله باعث می‌شود تا زیان‌دیده خود را از حمایت بیشتری برخوردار ببیند (استفانی، پیشین، ۲۹۴ و ۲۹۵) و با هزینه کمتر و سرعت بیشتر از ابزارهای دادرسی کیفری از جمله نظریات کارشناسی، استعلامات اداری، احضار اطراف پرونده و جلب آنان، تأمین کیفری برای تضمین حق و... بهره‌مند می‌گردد، درحالی‌که زیان‌دیده برای به اثبات رساندن ادعای خود در مرجع مدنی باید راه دشوار و پر هزینه‌ای طی نماید. گاه دیده شده برای موضوعی که در صلاحیت دادرسی حقوقی است، در بدو امر شکایتی در دادسرا

1. Henzelin & Rordorf

مطرح شده تا از نیروی این مرجع برای جمع‌آوری دلیل استفاده شود و پس از به‌دست آوردن مدارک اثباتی، از شکایت صرف‌نظر شده و دعوای حقوقی مطرح می‌گردد.^۱

۲-۲. تأثیر تبصره ماده ۸۵ قانون بر بیمه‌گر

با فراهم شدن زمینه طرح دعوای مطالبه دیه در دادرسی کیفری و با توجه به مزایای یادشده، طرفین پرونده جایگزینی دادرسی کیفری بر دادرسی مدنی را ترجیح می‌دهند و تعادل تعداد دعوای در مراجع مدنی و کیفری تغییر خواهد کرد. این تغییر توازن، دارای آثار مثبت و منفی برای بیمه‌گر است که حقوق بیمه‌گر را تحت تأثیر قرار می‌دهد که در مباحث آتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱. تأثیر منفی دادرسی کیفری بر بیمه‌گر

مزیت‌های استفاده از دادرسی کیفری برای طرفین، دست‌به‌دست هم داده تا تعداد دعوای کیفری مطالبه دیه افزایش یابد. طرح این دعوای در مراجع کیفری خواهان‌خواه بر بیمه‌گر تأثیر می‌گذارد. در غایت دعوای بیمه‌ای، بیمه‌گر مسؤول جبران خسارات مندرج در حکم محکومیت بیمه‌گذار است؛ بنابراین یکی از سیاست‌های بیمه‌ای در افزایش کارایی اقتصادی، وظیفه دفاع بیمه‌گر در دعوای طرح‌شده علیه بیمه‌گذار است. این وظیفه علاوه بر ورود به دعوا، شامل کنترل دفاعیات بیمه‌گذار نیز می‌شود (بودر،^۲ ۱۳۷۱، ۱۰۳). عدم دخالت بیمه‌گر در دعوای جزایی به عنوان اصحاب دعوا باعث می‌شود که بیمه‌گر حقوق خود را متزلزل و در معرض تضییع ببیند و از حقوقی که به عنوان طرف

۱. در تصمیم شعبه ۶۰۸ بازپرسی دادسرای مشهد در پرونده شماره ۹۷۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۷/۵ آمده: «در خصوص شکایت... شاکی اظهار داشته خودرویی بنده به مشخصات پراید سفید رنگ در بلوار لادن پارک بوده که فرد ناشناس که رانندگی خودرویی ام وی ام سفید را به عهده داشته با خودرویی اینجانب تصادف نموده و از قسمت عقب خودرویی بنده دچار خسارت شده و راننده مقصر از محل متواری گردیده لذا برای استعلام پلاک و بازبینی دوربین‌های پایگاه بسیج و مدرسه واقع در بلوار لادن تقاضای صدور دستورات لازم دارم که بعد از صدور دستورات مقتضی در این خصوص، شاکی رضایت خود را اعلام نموده است...»

دعوا می‌بایست برخوردار باشد، محروم گردد. اگر در دادرسی کیفری صرفاً قائل به رعایت ماده (۵۰) قانون بیمه اجباری شویم، حق دفاع بیمه‌گر به‌طور کامل رعایت نمی‌شود و همین که مسئولیت متهم در دادرسی کیفری به اثبات رسید، شرکت بیمه نیز منافع خود را در خطر می‌بیند و نهایتاً مسئولیت خواهد داشت.

نکته دیگر در تعداد دعاوی مطروحه است؛ همان‌طور که سابقاً مطرح شد، تجویز پذیرش رسیدگی به دعاوی مربوط به دیات در دادگاه جزایی، موجب افزایش طرح شکایات و مسئولیت بیشتر بیمه‌گر می‌شود و بار مالی بیشتری را جهت جبران خسارت می‌طلبد. افراد زیادی هستند که در سوانح رانندگی مصدوم گردیده و چاره‌ای جز طرح دادخواست علیه بیمه‌گر ندارند، اما با محاسبه هزینه‌ها و صرف وقت و ارزیابی ادله خود راه مطالبه را در پیش نمی‌گیرند و این موضوع نفع شرکت بیمه را در پی دارد لیکن با کاهش هزینه دادرسی و سرعت رسیدگی به دعاوی، رغبت به مطالبه حق افزایش می‌یابد.

عدم تخصص دادرسی کیفری در رسیدگی به موضوعات مدنی ممکن است حقوق بیمه‌گر را با خطر مواجه نماید و احراز مسئولیت با مسامحه بیشتری صورت گیرد. همان‌طور که سابقاً مطرح شد، تخصص کمتر شعب کیفری در رسیدگی به موضوعات مربوط به خسارت و مسئولیت مدنی نیز امکان پیروزی مدعی را افزایش داده و فرصت برای طرح دعاوی ساختگی فراهم می‌گردد (پیشین، ۳۰۴ و ۳۰۵) که در نتیجه این رفتارها پیش‌بینی دعوا توسط بیمه‌گر را کاهش می‌دهد.

۲-۲-۲. تأثیر مثبت دادرسی کیفری بر بیمه‌گر

علاوه بر معایب عنوان شده، مزایای دادرسی کیفری به حدی است که بیمه‌گر نیز نباید از شیوع این شیوه دادرسی ناامید باشد و علاوه بر نفع زیان‌دیده، مرتکب و دستگاه عدالت، بیمه‌گر نیز بهره‌آساز از این شیوه دادرسی خواهد برد. اگرچه عدم تخصص دادرسی کیفری در رسیدگی به دعاوی مدنی و استقلال دعاوی مدنی از دعاوی کیفری یکی از معایب پذیرش دادرسی کیفری در رسیدگی به دعاوی علیه بیمه‌گر است، لیکن

باید دانست که بیمه‌گر نیز از تجهیزات دادرسی جزایی از جمله (قواعد دادرسی سریع)، جمع‌آوری آزاد ادله (قواعد شکلی و ماهوی دلیل) و واکنش عمومی (مجازات و بازدارندگی) بهره‌مند می‌گردد. علی‌القاعده دادرسی کیفری در حین رسیدگی، خود را محدود به موضوع خاصی نمی‌بیند و در حین تحقیقات به اموری رجوع می‌کند که دادرسی مدنی از رجوع به آن‌ها معذور است. لزوم حفظ بی‌طرفی قاضی در محکمه حقوقی و تشریفات دادرسی مدنی دشواری‌هایی را برای وی ایجاد می‌کند که اجازه برخی اقدامات را به دادرسی نمی‌دهد؛ به‌خصوص در جایی که شرکت بیمه یا صندوق تأمین پاسخی در مقابل خواسته ندارند یا حاضر نمی‌شوند؛ لیکن بازپرس پرونده در مقام تحقیق و جهت بررسی اصل حادثه هر اقدامی را انجام می‌دهد و قصد طرفین را کنکاش می‌کند تا از ساختگی نبودن تصادف اطمینان حاصل کند و زمانی که خود را بازیچه اعمال طرفین می‌بیند، حامی منافع جامعه و بیمه‌گر می‌شود و مواردی دیده می‌شود که بدون دخالت بیمه‌گر و در پی کنکاش بازپرس، زیان‌دیده مجبور به عقب‌نشینی از خواسته خود شده یا با احراز ثقل و بی‌جای کسب منفعت، مجازات می‌گردد! همین رویکرد باعث اطمینان بیمه‌گر و عدم دخالت مؤثر در فرایند دادرسی کیفری می‌گردد.

براساس ماده (۱۳) قانون بیمه اجباری: «بیمه‌گر یا صندوق حسب مورد مکلفند خسارت بدنی تعلق گرفته به شخص ثالث را به قیمت یوم‌الاداء و با رعایت این قانون و سایر قوانین و مقررات مربوط پرداخت کنند. بیمه‌گر، در صورتی که خسارت بدنی

۱. در دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۵۱۹۵۰۰۰۵۹۴ صادره از شعبه ۱ دادگاه کیفری دو مشهد آمده است: «در خصوص اتهام آقایان ... دایر به شروع به کلاهبرداری به این توضیح که متهمین با خودزنی و چپ کردن عمدی اتومبیل حامل خود مدعی واژگونی آن شده‌اند و با طرح شکایت صوری علیه راننده اتومبیل مذکور تقاضای دیه نموده‌اند که پس از صدور رأی در همین شعبه و قبل از اجرای آن و دریافت دیه از بیمه توسط متهمین، صوری بودن ماجرا و خودزنی آنان افشاء و دستگیر و تحت پیگرد قرار گرفتند که توجهاً به ... بزهکاری‌شان محرز تشخیص و مستنداً به ... هر کدام را به تحمل یکسال حبس محکوم می‌نماید...»

که به زیان دیده پرداخت نموده بیشتر از تعهد وی مندرج در ماده (۸) این قانون باشد، می‌تواند نسبت به مازاد پرداختی، به صندوق رجوع یا در صورت موافقت صندوق در حساب‌های فیما بین منظور کند مشروط بر این‌که افزایش مبلغ قابل پرداخت بابت دیه متناسب به تأخیر بیمه‌گر نباشد.» بنابراین در صورت تحقق اختلاف بین شرکت بیمه و متقاضی خسارت، سرعت در رسیدگی نقش مهمی در جلوگیری از افزایش تعهدات بیمه‌گر دارد. معمولاً بیمه‌گران اگر احساس نمایند که دعوا به صورت مشکوک جریان یافته تا آخرین امکان حقوق از اجرای رأی امتناع می‌کنند و در این موارد اگر ادعای بیمه‌گر ثابت نشود مسئول پرداخت مابه‌التفاوت دیه هم می‌باشند (خدابخشی، ۱۳۸۹، ۳۱۰). سرعت کشف دلیل و دادرسی کیفی و فوق‌العاده بودن تحقیقات باعث می‌شود که از تحمیل نرخ جدید دیه که ممکن است به علت تأخیر در پرداخت دیه از سوی بیمه‌گر به زیان‌دیده بار شود، جلوگیری شود. حال آن‌که اگر قرار به شکل‌گیری دادرسی حقوقی جدیدی باشد، تأخیر در صدور حکم مسئولیت بیمه‌گر را هم از حیث افزایش نرخ دیه در پی خواهد داشت و شرکت بیمه مسئولیت تأدیه خسارات بدنی به نرخ یوم‌الادا را دارد.

این مزیت از این حیث نیز مهم است که اگر زیان‌دیده راه حقوقی را انتخاب نماید، در بسیاری موارد، قاضی محکمه حقوق حتماً باید رسیدگی و صدور حکم را تا اتخاذ تصمیم به وسیله قاضی جزایی به تعویق اندازد، چرا که عدم ایجاد تعارض در آرا و عدم امکان مخالفت رأی حقوقی با کیفی چنین تأخیری را ایجاد می‌کند (اردلانی، ۱۳۴۴، ۴۲). در نتیجه، خسارت ناشی از این تأخیر بر بیمه‌گری که از پرداخت خسارت امتناع کرده است، تحمیل می‌شود.

کاهش هزینه دادرسی اگرچه در نگاه نخست برای زیان‌دیده سودآور است، اما حقوق خواننده را نیز مورد تأثیر قرار می‌دهد. دعاوی حقوقی مطروحه علیه بیمه‌گر غالباً با محکومیت شرکت بیمه به جبران خسارت و پرداخت هزینه‌های دادرسی همراه است و تحمل این هزینه شرکت‌های بیمه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مزایای استفاده دادرسی

کم هزینه کیفری، شرکت‌های بیمه را نیز به سمت این نوع دادرسی ترغیب می‌نماید تا در صورت محکومیت از پرداخت خسارات دادرسی مصون باشند.

در خصوص میزان مداخله بیمه‌گر در دادرسی جزایی باید گفت، عدم دخالت بیمه‌گر و صندوق به عنوان مدعی علیه در دعوی جزایی اگر چه دخالت آنان را محدود می‌نماید، لیکن حقوق بیمه‌گر و صندوق تأمین در قانون بیمه اجباری مشخص شده و مقنن به آنان اجازه ورود به پرونده را اعطا نموده و اظهارنظر در خصوص موضوعات مهم از سوی آنان را باید حقی مسلم شمرد؛ از همین حیث ورود آنان مانع تبانی خواهد شد (کاتوزیان و ایزانلو، ۱۳۹۷، ۳۰۰) و از این جهت دادرسی کیفری موجبی برای تضییع حق بیمه‌گر نخواهد بود. علاوه بر آن، در سایر مواردی که دادرسی جزایی به سرانجام رسیده و مقصر محکوم می‌شود و بیمه‌گر مسئولیت تبعی می‌یابد، حق بیشتری برای بیمه‌گر در این گونه دادرسی‌ها در نظر گرفته نشده و این حکم ناظر به تمام دعوی جزایی تصادف است و این محدودیت منحصر به موضوع ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره آن نیست تا آن را خلاف قاعده بدانیم؛ بنابراین پیش‌بینی حق اطلاع و دخالت بیمه‌گر براساس ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری امکان ارائه نظرات و مستندات در دادرسی را برای بیمه‌گر فراهم می‌آورد و در کاهش تعداد پرونده محاکم و جلوگیری از طرح دعوی صوری نیز مؤثر است (رنдал، ۱۳۷۴، ۲۶۶).

۳. جمع‌بندی و پیشنهادها

اهمیت جایگاه حوادث رانندگی بر کسی پوشیده نیست و خطر ناشی از شیوع این وسایل هر شهروندی را تهدید می‌کند و گاه رعایت همه جوانب احتیاط نیز آدمی را از گزند این وسایل حفظ نمی‌کند؛ بنابراین علاوه بر اتخاذ تدابیر پیشگیرانه، حمایت از مصدومین این گونه حوادث اعم از مقصر و غیر مقصر ضروری است. ارائه تفسیر صحیح از تبصره (۱) ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری برای زیان دیدگان واقعی مهم

1. Randall

است و برای آنان مزایایی دارد تا در یک دادرسی ساده و کم‌هزینه و در سریع‌ترین زمان ممکن به جبران خسارت نائل آیند. با این وجود، مسیر جدیدی برای مطالبه دیه از سوی رانندگان مقصر ایجاد می‌گردد که تعداد این دعاوی بیمه‌گر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و در بدو امر مقاومتی نسبت به این تفسیر را دربر خواهد داشت؛ اما بررسی مزایای مطالبه خسارت از طریق دادرسی کیفری نه تنها باعث حقیقی‌تر شدن تعداد این دعاوی می‌شود، بلکه بیمه‌گر را از هزینه‌های گزاف دادرسی‌های می‌بخشد و سرعت در اجرای تعهدات را بالا می‌برد. با این رویکرد، تفسیر از تبصره (۱) ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری باید به نحوی باشد که اهداف مقنن از وضع این مقرر را بی‌اثر نسازد و همان طور که در آرای برخی شعب به کارکرد صحیح این مقرر توجه شده است، پیشنهاد می‌شود تا محاکم کیفری قلمروی این مقرر را علاوه بر بیت‌المال، به صندوق تأمین خسارات بدنی و بیمه‌گر تسری دهند و همچنین با تحت شمول قراردادن صدمات مقصر و غیر مقصر حادثه، زمینه لازم جهت پایان بخشیدن به دعاوی جبران خسارات بدنی ناشی از حوادث را در ضمن یک دادرسی فراهم آورند. این تفسیر اگرچه در بدو امر با دشواری‌هایی همراه است، لیکن تحلیل نتایج اقتصادی و اجتماعی تبصره مزبور، لزوم رسیدگی واحد به تبعات ناشی از یک حادثه را اقتضا می‌کند و نتیجه این تحلیل، نفع طرفین پرونده، بیمه‌گر و دستگاه قضا خواهد بود.

منابع

- آبخیز، مجید (۱۳۹۶). تحلیل حقوقی جبران خسارت از طریق صندوق تأمین خسارت‌های بدنی (مطالعه تطبیقی در نظام حقوق ایران و نیوزیلند). تهران: انتشارات آیین دادرسی، چاپ اول.
- آخوندی، محمود (۱۳۷۲). آیین دادرسی کیفری. جلد اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، چاپ پنجم.
- اردلانی، علی (۱۳۴۴). ماهیت قضایی حیثیت خصوصی جرم در حقوق فرانسه. مجله حقوق جزای تطبیقی، ۱(۱۵)، صص ۴۰-۴۸.
- الماسی، نجاد علی؛ حبیبی درگاه، بهنام (۱۳۹۱). درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرایند دادرسی کارآمد. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲(۵۸)، صص ۴۷-۷۲.
- الیوت، کاترین؛ ورنون، کاترین (۱۳۸۷). نظام حقوقی فرانسه. ترجمه صفر بیگزاده، تهران: سمت، چاپ اول.
- بای، حسینعلی (۱۳۸۳). قلمرو مسئولیت بیت‌المال در پرداخت دیه. مجله فقه و حقوق، ۴(۳)، صص ۷۳-۱۰۴.
- پرادل، ژان (۱۳۸۶). حقوق کیفری تطبیقی. جلد اول، ترجمه مجید ادیب، تهران: میزان، چاپ اول.
- پوراستاد، مجید؛ حصار خانی، فاطمه (۱۳۹۴). تحلیل اقتصادی فرایند دادرسی مدنی براساس هزینه‌ها. تحقیقات آزاد حقوقی، ۲(۲۸)، صص ۵۷-۸۵.
- استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ بولوک، برنار (۱۳۷۷). آیین دادرسی کیفری. جلد اول، ترجمه حسن دادبان، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول.
- خالقی، علی (۱۳۹۷). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. تهران: شهر دانش، چاپ یازدهم.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی و تحولات آن در حقوق ایران. مجله حقوقی دادگستری، ۲(۷۴)، صص ۱۰۳-۱۲۸.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۸۳). بررسی ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری. مجله قضاوت، ۸(۲۹)، صص ۳۳-۴۰.

خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۶). حقوق بیمه و مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.

خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۲). تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری. تهران: شهردانش، چاپ دوم.

خدابخشی، عبدالله (۱۳۸۹). جبران خسارت کارگران در نظام مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.

رفیعی، پیمان؛ جعفری، رضا (۱۳۹۲). تأملی بر وضعیت نهادهای مشابه «صندوق تأمین خسارات بدنی» در سایر کشورها (در راستای جبران خسارات ناشی از سوانح رانندگی). تازه‌های جهان بیمه، ۱۲(۱۹۸)، صص ۴-۱۹.

شیرازی، سید محمد حسینی (۱۴۲۳). فقه العولمه. بیروت: مؤسسه الفكر الاسلامی. فرهنگ، احمد (۱۳۹۴). مسئولیت مدنی ناشی از سوانح وسایل نقلیه موتوری زمینی و بیمه آن با تأکید بر قانون جدید بیمه اجباری و رویه قضایی. پایان‌نامه دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی.

کاتوزیان، ناصر؛ ایزانلو، محسن (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی: جلد سوم (بیمه مسئولیت). تهران: گنج دانش، چاپ اول.

کاتوزیان، ناصر؛ جنیدی، لعلیا؛ غمامی، مجید (۱۳۸۱). مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

گیلانی، نجفی، میرزا حبیب‌الله رشتی (۱۴۰۱). کتاب القضاء. جلد اول، قم: مطبعة الخيام. لارگیه، ژان (۱۳۷۸). آیین دادرسی کیفری فرانسه. ترجمه حسن کاشفی اسمعیل زاده، تهران: گنج دانش، چاپ اول.

مرادی، علی؛ رحمانی، خالد؛ هوشمند شجاع، مصطفی؛ رحیمی سپهر، حسن؛ خورشیدی، علی (۱۳۹۵). مروری بر وضعیت حوادث رانندگی در ایران در مقایسه با سایر کشورها. مجله پزشکی قانونی ایران، ۱(۱)، صص ۴۵-۵۳.

مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱). فقه الامام صادق علیه السلام. جلد ششم، قم: مؤسسه انصاریان.

- مهدوی، ابراهیم (۱۳۴۲). ضرر و زیان ناشی از جرم. مجله کانون وکلا، ۱(۸۳)، صص ۱-۳۱.
- هرمزی، خیرالله (۱۳۹۳). توسعه صلاحیت یا صلاحیت تبعی. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۱(۶)، صص ۱۶۱-۱۹۳.
- هرمزی، خیرالله؛ مؤذن زادگان، حسنعلی؛ علوی، سید حجت (۱۳۹۷). ماهیت و آثار طرح دعوای مدنی در محاکم کیفری. مجله حقوق کیفری، ۱(۲۲)، صص ۲۸۵-۳۲۰.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۵). قواعد عمومی مسئولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه. جلد دوم، تهران: میزان، چاپ اول.
- اداره حقوقی قوه قضائیه (۱۳۹۳). نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه. ماهنامه دادرسی، ۱(۱۰۳)، صص ۶۷-۶۸.

- Bowdre, Karon (1993). Conflicts of Interest between Insurer and Insured: Ethical Traps for the Unsuspecting Defense Counsel. *American Journal of Trial Advocacy*, 17(1), 101-150.
- H. Kobayashi, Bruce; S. Parker, Jeffrey (2000). Civil Procedure: General Economic Analysis, *Encyclopedia of Law and economics*, Edward Elgar.
- Henzelin, Marc; Rordorf, Héloïse (2014). When Does the Length of Criminal Proceedings Become Unreasonable According to the European Court of Human Rights? *New Journal of European Criminal Law*, 5(1), 78- 109.
- Randall, Susan (1996). Redefining the Insurer's Duty to Defend. *Connecticut Insurance Law Journal*, 3(2), 221-266.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی